

# جاذبه اسلام در کشور کمینال ما

ایرانیان تا روزیکه اسلام را نمی شناختند، در مقابل آن ایستادگی میکردند و روی خوش به آن نشان نمی دادند ولی همینکه بحقیقت دین اسلام پی بردند نه تنها از دشمنی باز ایستادند، بلکه تمام نیروهای خود را در اختیار اسلام قرار دادند و در نشر و ترویج این آئین نو خاسته از هیچگونه تلاش و فداکاری دریغ ننمودند.

از آنچه گفتیم معلوم می شود: ایرانیان اسلام را به میل و رغبت خود پذیرفته اند و هیچوقت مسلمانان آنها را مجبور به ترك آئین و مذهب و عقاید پیشین خود نکرده اند و حتی با آنان معامله اهل کتاب نموده (۱) آزادی و آسایش آنها را تا حد ممکن تضمین میکردند.

جای کمال تأسف است که مؤلف کتاب و مزد- بسنا و تأثیر آن در ادبیات فارسی، که در تألیف این کتاب تحت نفوذ شدید یکی از زردشتیان متعصب قرار گرفته، در این باره سخنانی دور از انصاف و حقیقت به قلم آورده است: اوسمی می کند زردشتیان ایران را در دوره اسلامی خیلی مظلوم جلوه دهد،

این حقیقت را نباید نادیده انگاشت که: اسلام- آوردن ایرانیان بهمان سرعتی که مجاهدان اسلامی پیش می رفتند، نبوده است.

فتوحات حیرت انگیز و خیره کننده مسلمانان، برق آسای صورت گرفت و در اندک مدتی سلطنت ساسانی بحکومت خلفا تبدیل یافت و لیکن اسلام آوردن ایرانیان بهمان شدت و سرعت نبوده است و هر چه آشنائی مردم باین اسلام بیشتر میشد، پیشرفت آن سریعتر می گردید بهمان درجه که اسلام رفته رفته در دلهای ایرانیان برای خود جا باز میکرد بهمان نسبت، آئین زردشتی از رونق می افتاد و از پیر وانش کاسته میشد.

(۱) فتوح البلدان بلاذری: ص ۲۶۶-۲۶۷ - مروج الذهب ج ۱ ص ۲۸۲ طبع مصر

مسلم خلفا از شرکت در غزوات و دادن خمس و زکوة که برامت پیامبر فرض بود معافیت داشتند» (۳) مؤلف کتاب «کارنامه اسلام» می‌نویسد: (..) در هر صورت اسلام رفته‌رفته در سرزمین‌های فتح‌شده انتشار و قبول می‌یافت، و این انتشار و قبول نه از راه عنف و فشار بود بلکه بسبب مقتضیات و اسباب گونه‌گون اجتماعی بوده (۴)

و همچنین یکی از نویسندگان (تاریخ فرهنگ ایران) در کتاب خود می‌گوید:

«... امکان‌های که در تحت استیلای عرب رفت همگی مردم یکمرتبه ایمان نیاوردند زیرا که قبول اسلام اجباری نبود، زردشتیان که اهل کتاب شمرده می‌شدند مختار بودند که بذهب خود باقی بمانند و جزیه بدهند یا مذهب جدید را پذیرفته جزو گروه مؤمنین شوند باین ترتیب مردم بتدریج اسلام آوردند بطوریکه تا قرن چهارم هجری تقریباً در تمام ایالات ایران آتشکده‌ها که ساکنان بر جا بود و پیروان مزدیسنا مطابق آئین خود رفتار میکردند» (۵)

مقصود اینست: از فزون نخستین اسلام تا قرن پنجم، مذهب زردشتی در ایران هنوز بسیار رایج و عده پیروان آن کیش زیاد بود و در منابع اسلامی بویژه کتب جغرافی از کثرت مجوس و فراوانی آتشکده‌ها در شهرهای ایران مکرر سخن رفته است (۶)

چنین می‌نویسد: «از آغاز تسلط عرب ایرانیان از لحاظ دیانت ناگزیر بودند یا قبول اسلام کنند و یا جزیه پردازند، در نتیجه به سه بخش تقسیم شدند» سپس تصریح می‌کند: «دودسته از اینها از ترس دشمن ناگزیر ایران، میهن نیاکان خود را ترک گفته و رهسپار دیار هند شدند.

گروه دیگر از ایرانیان با حفظ آئین مزدیسنا در میهن خویش باقی ماندند ناچاره محمل رفتارهای زشت و ناشایست ملت غالب و هم‌میهنان خود گردیده همواره مورد تحقیر و اهانت و مجبور بنهفتن عقاید و آئین اجدادی خویش بودند و در اجرای مراسم مذهبی آزادی نداشتند» (۷)

با توجه به مطالب یادشده دیگر جایی برای این سخنان بی‌اساس باقی نمی‌ماند چنانکه ایرانشناس معروف «ادوارد براون» در این باره می‌نویسد: «تحقیق درباره غلبه تدریجی آئین اسلام بر کیش زردشت مشکلتر از تحقیق در استیلاء ارضی عرب بر مستملکات ساسانیان است، چه بسا تصور کنند که جنگجویان اسلام اقوام و ممالک مفتوحه را در انتخاب یکی از دو راه مخیر می‌ساختند: اول قرآن، دوم شمشیر، ولی این تصور صحیح نیست، زیرا گبر و ترسا و یهود اجازه داشتند آئین خود را نگهدارند و فقط مجبور به دادن جزیه بودند؛ و این ترتیب کاملاً عادلانه بود زیرا اتباع غیر

(۲) مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات فارسی: دکتر محمد معین - با مقدمه پورداود از ص ۱۲-۱۸ دیبیاچه:

(۳) تاریخ ادبیات ایران ج ۱ ص ۲۹۷ (۴) کارنامه اسلام: دکتر عبدالحسین زرین کوب ص ۳

(۵) تاریخ فرهنگ ایران: دکتر عیسی صدیق ص ۸۸-۸۹

(۶) التنبیه والاشراف: مسعودی ص ۹۱-۹۲ - المسالك والممالك: ابن خردادبه ص ۱۲۶-۱۹۴

مسالك الممالك: استخری ص ۱۳۹ - البلدان. ابن الفقیه ص ۲۴۷ - معجم البلدان: یاقوت: ج ۴ ص ۲۲۵

می‌شدند .

مسلمانان با زردشتیان مانند سایر اهل کتاب با کمال نرمش و اخلاق نیکو رفتار می‌کردند و بندرت ممکن بود بدون نقض عهد آنانرا مورد تمقیب قرار دهند .

مؤلف کتاب با ارزش «فرهنگ ایرانی» مینویسد: زردشتیان نیز در قرنهاى نخست از آزادی کامل برخوردار بوده‌اند و از این روشماره ایشان زیاد بوده و تأثیر بسیاری در حیات اجتماعی و فرهنگی کشور داشته‌اند (۷)

از منابع تاریخی برمی‌آید در نتیجه خوش رفتاری مسلمانان و عدم اجبار و اکراه تا قرن پنجم آئین زردشتی در ایران هنوز رایج و عده پیروان آن زیاد بود و آتشکده‌ها بقعداد فراوانی در شهرهای ایران دایر بوده و مؤبدان و دانشمندان ایرانی با آزادی کامل ، همچنان فعالیت‌های دینی و فرهنگی خود را دنبال می‌کردند .

تاریخ نویسان و جغرافی دانان اسلامی چون : «مسعودی» (۸) و «استخری» (۹) و «بن‌لقیه» (۱۰) و «ابن‌رسته» (۱۱) و «یاقوت حموی» (۱۲) و «ابن حوقل» (۱۳) و «حمزه اصفهانی» (۱۴) و «مقدسی» (۱۵) و «ابوریحان بیرونی» (۱۶) و «حمدالله مستوفی

بدیهی است ، زردشتیان ایران و سازمان های وابسته با آنها را که در دوره‌های نخست اسلام بحد وفور در ایران وجود داشته اند می توان از جمله عواملی شمرده که در حفظ آثار فرهنگی و دینی ایران باستان تأثیر فراوان داشته است و آنان بودند که آثار ایرانی را در دست داشته در نزد خود و یا در آتشکده‌ها و جاهای امنی نگه میداشتند و بدین و بحث آنها می پرداختند و بدین ترتیب از نابود شدن آنها جلوگیری می‌کردند بطوریکه تاریخ نویسان و دانشمندان اسلامی برای تحقیق در تاریخ و آداب و رسوم و مذاهب ایرانی به مؤبدان و هیروبدان مراجعه میکردند .

آری همین طبقه یکی از مهمترین منابع مسعودی یعقوبی حمزه اصفهانی ، ابوریحان بیرونی ، دینوری ابن راوندی و ابن فارس و دیگر تاریخ نویسان اسلامی در تاریخ ایران بوده است .  
معابد اهل کتاب در نخستین قرنهاى اسلامی .

مسلمانان با اهل کتاب ، رفتار پسندیده و انسانی داشتند و حتی پس از آنکه اهل کتاب در ذمه مسلمین قرار می‌گرفتند ، مسلمانان خود را ملزم به حفظ معابد آنها میدانستند و مانع از تخریب آن معابد

(۷) فرهنگ ایرانی : دکتر محمد محمدی ص ۲۸ (۸) مروج الذهب ج ۱ ص ۳۸۲ - التنبیه

والاشراف ص ۹۱-۹۲ (۹) کتاب : مسالك الممالك ۱۱۸-۱۲۶-۱۹۴

(۱۰) البلدان : ص ۲۴۷-۳۱۴ (۱۱) الاعلاق النفیسه : ص ۱۶۵-۱۶۷

(۱۲) معجم البلدان : ج ۴ ص ۲۲۵ (۱۳) صورة بلاد عراق المعجم من کتاب : المسالك والممالك ص ۲۸

(۱۴) تاریخ حمزه اصفهانی ص ۱۲۷-۱۷۶

(۱۵) احسن التقاسیم ص ۴۳۹۴۲۹-۴۲۰ (۱۶) الاثار الباقیه : ص ۲۴

## تبدیل گردید

فی المثل مسجد جامع یزد آتشکده بود ، بعدها تبدیل به مسجد شد (۱۹)

خلاصه ، گفتار این مورخان می‌رساند که : در قرنهای نخستین اسلامی زردشتیان مانند سایر اهل کتاب در قلمرو اسلام در امنیت و آسایش و از روح تحمل و گذشت فاتحین بهره‌مند بود و این خود می‌رساند که ایرانیان آیین خود را به صلح و سلم ، بتدریج تغییر داده‌اند .

بدین جهت با اطمینان خاطر می‌توان گفت : سخنان مؤلف «دو قرن سکوت» از واقعیت دور است و او بعد از آنکه نسبت تهمت ناروای «کتاب سوزی» را به مسلمانان داده است ؛ می‌نویسد : ( ... مگر نه این بود که در حمله تازیان ، موبدان بیش از هر طبقه دیگر مقام و حیثیت خویش را از دست دادند و تار و مار گشته و تباہ گردیدند ؟ با کشته شدن و پراکنده شدن این طبقه پیداست که دیگر کتابها و علوم آنها نیز که بدرد تازیان نمی‌خورد موجبی برای بقا نداشت » (۲۰)

بالاخره ، معلوم نیست این مطالب را روی چه ملاک و مدرکی گفته است . هر چند اینگونه مطالب خوشایند (ناسیونالیستهای مغرور و افراطی) است و

قزوینی ، (۱۷) و ... در کتابهای خود تصریح کرده‌اند بر اینکه در قرون نخستین اسلام موقعیت زردشتیان همچنان استوار بوده است و در این کتابها از فراوانی آتشکده ها در تمام شهرهای ایران مکرر سخن بمیان آمده است .

بدیهی است در نتیجه رسوخ کامل اسلام از طریق منطوق و عقل ، نه اجبار و اکراه ، در اذهان ایرانیان ، روز بروز از تعداد زردشتیان کاسته میشد تا بدرجه‌ای رسید که بعد از قرن پنجم يك اقلیت بسیار ناچیزی از آنان در دین خود باقی ماندند و اکثریت زردشتیان به میل و رغبت خود اسلام را پذیرفتند .

چنانکه «مستر فرای - R. Frve» در کتاب خود می‌نویسد : «... شرح جالبی از پیکار میان مسلمانان و زردشتیان در شهر کازرون در زمان (ابو- اسحاق ابراهیم بن شهریار الکا زرونی) که در سال ۱۰۳۴ میلادی در گذشته است ، در دست داریم بسیاری از زردشتیان به راهنمایی این شیخ به اسلام گرویدند » (۱۸)

آری اندک ، اندک آتشکده‌ها با کم شدن زردشتیان رو بکاستی نهاد و طبق نوشته بعضی از محققین بسیاری از این آتشکده ها در دوره‌های اسلامی ؛ بدست خود ایرانیان بمسجد

(۱۱) نزهة القلوب که در سال ۷۴۵ تألیف شده است (۱۸) میراث باستانی اسلام : ص ۳۹۶-۳۹۷

(۱۹) تاریخ تمدن ایران ساسانی : ج ۱ ص ۹۹ .

(۲۰) دو قرن سکوت : دکتر عبدالحسین زرین کوب ص ۱۱۵ - چاپ اول این کتاب در دیماه ۱۳۳۰

انجام یافته است .

اسلام ، اهل کتاب بودند یا در ردیف آن - یهود ، نصاری ، مجوس و صابئین - در این میان تکلیف یهود و نصاری معین بوده چون در اینکه آنها اهل کتابند اختلاف وجود نداشت . نسبت به مجوس تردید بود . اما با آنها نیز به دستاویز حدیث ، معامله اهل کتاب شد . حتی بعدها بت پرستان اروپا وهند و تبت نیز توانستند بعنوان مجوس در قلمرو اسلام با پرداخت جزیه در صلح و آزادی بسر برنده

سپس اضافه می کند . اهل کتاب بهیچوجه مجبور بقبول اسلام نمی شدند . مجوس جزیه یی که به اسلامیان می پرداختند به مراتب سبکتر و راحت تر از مالیات سرانه یی بود که پیش از آن بحکومت خویش - ساسانیان - میدادند! (۲۲)

در این باره ایشان همفکران وهم اندیشان زیادی از نوع خود دارند ولی هر چه هست خلاف واقعیت است . درست است که این مؤلف محترم در کتاب « دو قرن سکوت » این چنین اظهار نظر کرده است ولی کتابیکه بعد از آن بنام ( کارنامه اسلام ) تألیف نموده و یقیناً پس از مطالعات عمیقتر در تاریخ اسلام و ایران بوده ، با صراحت قابل تحسین گفته های سابق خود را باین صورت اصلاح و تکمیل می کند :

« .. روایتی هم که گفته اند کتابخانه مدائن را اعراب نابود کردند ظاهراً هیچ اساسی ندارد و ماخذ آن تازه است » (۲۱)

و در فصل اول این کتاب نفیس ( کارنامه اسلام ) می نویسد : « فتح اسلامی البته با جنگ حاصل شد اما نشر آن در بین مردم کشورهای فتح شده به زور جنگ نبود ؛ خاصه در جاهائی که مردم ؛ از نظر

(۲۱) کارنامه اسلام : دکتر عبدالحسین زرین کوب : ص ۳۶ این کتاب در سال ۱۳۴۸ در تهران بطبع

رسیده است (۲۲) همان کتاب ص ۱

